

عبدالمحمد طاهری، استاد دانشگاه، سفر معاون وزیر خارجه به کابل را ارزیابی کرد

مزیت رقابت ناپذیر ایران در افغانستان

رضا عدالتی پور - گروه دیپلماسی / طی یک سال گذشته، روابط ایران

و افغانستان بعد از یک وقفه سه ساله در مسیر درستی قرار گرفته و بر ریل تعامل و همکاری در حرکت است.

عبدالمحمد طاهری، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل افغانستان در گفت و گو با «ایران» با اشاره به این موضوع تأکید دارد پیوندهای مذهبی،

سفر آقای غریب‌آبادی به کابل در این مقطع زمانی با چه اهدافی صورت گرفته و چه

ضرورت‌های سیاسی پشت آن نهفته است؟

سفر آقای غریب‌آبادی به کابل را باید در بستر تغییرات حساس منطقه‌ای و فراز و فرودهای پیچیده داخلی افغانستان تفسیر کرد؛ سفری که می‌تواند هم به عنوان فرصتی برای کاهش تنش‌ها و هم به‌منابه آزمون‌ی برای اثبات ظرفیت‌های دیپلماتیک تهران در کنترل بحران‌های همسایگی محسوب شود. در این مقطع، هنگامی که شبکی مناقشات محلی و فراملیتی به‌سرعت تشدید می‌شود، هر اقدام دیپلماتیک کوچک یا بزرگ امکان دارد اثرگذاری گسترده‌ای بر فضای امنیتی و سیاسی داشته باشد؛ بنابراین این سفر از حیث نمادین و کارکردی اهمیت بالایی پیدا می‌کند.

از منظر نمادین، سفری که نماینده از ایران به کابل که اینک در تقابل جدی با پاکستان قرار دارد، پیامی روشن مبنی بر آمادگی میناجیگری ایران به طرف‌های درگیر و همسایگان مخایره می‌کند تا از کسترش منازعات جلوگیری کند. اگر این تلاش دیپلماتیک را برنامه‌ریزی دقیق و تعامل سازنده همراه باشد، می‌تواند به کاهش بدگمانی‌ها و مهار شعله‌ور شدن اختلافات کمک کند. اما این امر تری در صورتی محقق خواهد شد که طرف‌های مقابل نیز فرصت گفت‌وگو و مصالحه را جدی بگیرند و تهران به‌صورت هوشمندانه از اهرم‌های دیپلماتیک و فنی خود برای ایجاد فضای ثبات‌بخش استفاده کند.

در عین حال، پیوندهای منطقه‌ای از جمله تنش‌های میان طالبان و نهادهای ذی‌ربط در پاکستان به این معناست که تهران باید علاوه‌بر تمرکز بر رابطه مستقیم با کابل، ظرفیت‌های گفت‌وگو با بازیگران منطقه‌ای را نیز فعال کند تا فشارها و بازتاب‌ات از طریق کانال‌های دیپلماتیک تعدیل یابند. سفر آقای غریب‌آبادی به کابل اگر با استراتژی روشن، بهره‌گیری از تجربیات

دیپلماتیک پیشین و هماهنگی منطقه‌ای همراه باشد، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش تنش‌ها و تقویت دیپلماسی فعال ایران ایفا کند.

در امتداد این بحث و با توجه به نشانه‌های فزاینده‌ای از بازگشت تدریجی آمریکا به صحنه افغانستان، چه‌انگیزه‌هایی واشنگتن را پس از چهار سال خروج پرهزینه‌اش دوباره به این کشور نشانده است؟ آیا این بازگشت صرفاً در چهارچوب مهار رقبای منطقه‌ای بویژه چین و ایران باید تفسیر شود یا هدفی فراتر از آن، یعنی بازسازی نفوذ ژئوپلیتیک از دست‌رفته در آسیای مرکزی را دنبال می‌کند؟

شواهد نشان می‌دهد که واشنگتن همچنان بخشی از زیرساخت‌های خود را در افغانستان حفظ کرده است. پایگاه «بگرام» که زمانی یکی از مراکز مهم نظامی و زندان نیروهای آمریکایی بود، هنوز امکانات لجستیکی و اطلاعاتی قابل توجهی در خود دارد. بخش زیادی از تجهیزات نظامی نیز در کابل و وزارت دفاع باقی مانده و این احتمال را تقویت می‌کند که آمریکا در پی احیای کنترل غیرمستقیم خود بر این منطقه است. این مسأله وقتی نگران‌کننده‌تر می‌شود که به پیاد آوریم الگوی رفتاری دونالد ترامپ عمدتاً بر پایه فشار، تهدید و استفاده از زور است؛ رویکردی که می‌تواند ثبات شکننده افغانستان را دوباره متزلزل کند. در سوی دیگر، چین از دیرباز روابط بازگانی فعالی با افغانستان داشته و نفوذ اقتصادی آن غیرقابل انکار است. با این حال، این نفوذ در حوزه فرهنگی یا اجتماعی چندان گسترده نیست، چینی‌ها ترجیح می‌دهند مسیر اقتصادی خود را بدون درگیر شدن نظامی یا سیاسی ادامه دهند و به همین دلیل تمایلی به تقابل مستقیم با آمریکا در این جغرافیا ندارند. روس‌ها نیز هرچند در گذشته اقداماتی مانند ساخت بیمارستان و کمک‌های

فرهنگی و زبانی می‌تواند به عاملی برای تحکیم و پایداری این روابط بدل شود. او با اشاره به سفر اخیر کاظم غریب‌آبادی، معاون وزیر امور خارجه به کابل عنوان کرد تهران با بهره‌گیری از دیپلماسی فعال و استفاده از همین اشتراکات تمدنی، قادر است نقش مهمی در مهار تنش‌های منطقه‌ای و جلوگیری از نفوذ مجدد آمریکا ایفا کند.

عمرانی انجام داده‌اند، اما در ذهن افکار عمومی افغان‌ها جایگاه چندان مثبتی ندارند.

در چنین شرایطی، نقش ایران از هر کشور دیگری در منطقه مهم‌تر جلوه می‌کند. ایران از مزیتی برخوردار است که هیچ قدرت خارجی قادر به رقابت با آن نیست؛ پیوند زبانی، مذهبی و فرهنگی. همین برادر قدرتمند موجب می‌شود حضور و نفوذ ایران در افغانستان به‌عنوان بخشی طبیعی از روابط تاریخی دو ملت درک شود. بر همین اساس، تداوم ارتباط فعال و حضور دیپلماتیک در افغانستان برای ایران ضرورتی حیاتی است؛ زیرا رها کردن این کشور در وضعیت کنونی می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای امنیت ملی ایران به همراه داشته باشد.

افزون بر این، باید توجه داشت که ساختار حاکم فعلی در افغانستان هنوز به درک کاملی از الزامات مدرنیته و حکمرانی نوین دست نیافته و عمدتاً بر پایه سنت‌های فکری و سیاسی گذشته عمل می‌کند. همین ضعف می‌تواند آن را در برابر نفوذ خارجی آسیب‌پذیر سازد. در چنین وضعیتی، دیپلماسی فعال و هوشمند ایرانی می‌تواند با استفاده از همین خلأ از شکل‌گیری تنش‌ت در درون طالبان جلوگیری کرده و نقش مؤثری در ایجاد ثبات نسبی در افغانستان ایفا کند. ایران اگر نتواند از این نقطه ضعف ساختاری طالبان برای گفت‌وگو، تعامل و هدایت سیاسی استفاده نکند، نه‌تنها جایگاه خود را در کابل تحکیم خواهد کرد بلکه مانع از بازگشت دوباره آمریکا به عمق استراتژیک شرق خود می‌شود.

در شرایطی که پیوندهای فرهنگی و مذهبی میان ایران و افغانستان می‌تواند به عنوان پشتوانه‌ای راهبردی برای ثبات روابط دو کشور عمل کند، آیا این مؤلفه‌های نرم می‌توانند در برابر فشارها و رویکرد زورورانه ایالات متحده توازن ساز باشند یا برای حفظ



بی تردید
ایران ابزارهای

متنوع و مؤثری

برای تعامل

با افغانستان

در اختیار

دارد و یکی

از مهم‌ترین

این ابزارها،

پیوندهای

عمیق

فرهنگی،

مذهبی، زبانی

و مرزی است.

اشتراکات

تاریخی و

اجتماعی

و دولت به

اندازهای

ریشه‌دار است

که به دشواری

می‌توان تصور

کرد جامعه

افغانستان

در ازای هیچ

قیمتی حاضر

شود روابط

خود با ایران را

فدای منافع

مقطعی آمریکا

کند

نفوذ در کابل باید ابزارهای
دیگری را در نظر گرفت؟

بی تردید ایران ابزارهای متنوع و

مؤثری برای تعامل با افغانستان در

مسیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز

ارتباطات خود را با کابل تقویت کند.

چنین ارتباطاتی نه‌تنها می‌تواند به

تحکیم موقعیت ایران در تعامل با

طالبان بینجامد بلکه زمینه‌ای برای

بهره‌گیری متقابل از توانمندی‌های

دو کشور فراهم می‌سازد. با این

حال، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد:

ایالات متحده ممکن است در این

مسیر به‌جای ابزارهای دیپلماتیک،

بار دیگر به فشار و زور متوسل شود.

بر اساس همین واقعیت، ایران

می‌تواند از ظرفیت‌های فرهنگی و

مذهبی خود به‌عنوان پشتوانه‌ای

راهبردی بهره‌برد و در کنار آن، از

مسیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز

ارتباطات خود را با کابل تقویت کند.

چنین ارتباطاتی نه‌تنها می‌تواند به

تحکیم موقعیت ایران در تعامل با

طالبان بینجامد بلکه زمینه‌ای برای

بهره‌گیری متقابل از توانمندی‌های

دو کشور فراهم می‌سازد. با این

حال، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد:

ایالات متحده ممکن است در این

مسیر به‌جای ابزارهای دیپلماتیک،

بار دیگر به فشار و زور متوسل شود.

بر اساس همین واقعیت، ایران

می‌تواند از ظرفیت‌های فرهنگی و

مذهبی خود به‌عنوان پشتوانه‌ای

راهبردی بهره‌برد و در کنار آن، از

مسیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز

ارتباطات خود را با کابل تقویت کند.

چنین ارتباطاتی نه‌تنها می‌تواند به

تحکیم موقعیت ایران در تعامل با

طالبان بینجامد بلکه زمینه‌ای برای

بهره‌گیری متقابل از توانمندی‌های

دو کشور فراهم می‌سازد. با این

حال، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد:

ایالات متحده ممکن است در این

مسیر به‌جای ابزارهای دیپلماتیک،

بار دیگر به فشار و زور متوسل شود.

بر اساس همین واقعیت، ایران

می‌تواند از ظرفیت‌های فرهنگی و

مذهبی خود به‌عنوان پشتوانه‌ای

راهبردی بهره‌برد و در کنار آن، از

مسیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز

ارتباطات خود را با کابل تقویت کند.

چنین ارتباطاتی نه‌تنها می‌تواند به

تحکیم موقعیت ایران در تعامل با

طالبان بینجامد بلکه زمینه‌ای برای

بهره‌گیری متقابل از توانمندی‌های

دو کشور فراهم می‌سازد. با این

حال، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد:

ایالات متحده ممکن است در این

مسیر به‌جای ابزارهای دیپلماتیک،

بار دیگر به فشار و زور متوسل شود.

بر اساس همین واقعیت، ایران

می‌تواند از ظرفیت‌های فرهنگی و

مذهبی خود به‌عنوان پشتوانه‌ای

راهبردی بهره‌برد و در کنار آن، از

مسیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز

ارتباطات خود را با کابل تقویت کند.

چنین ارتباطاتی نه‌تنها می‌تواند به

تحکیم موقعیت ایران در تعامل با

طالبان بینجامد بلکه زمینه‌ای برای

بهره‌گیری متقابل از توانمندی‌های

دو کشور فراهم می‌سازد. با این

حال، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد:

ایالات متحده ممکن است در این

مسیر به‌جای ابزارهای دیپلماتیک،

بار دیگر به فشار و زور متوسل شود.

بر اساس همین واقعیت، ایران

می‌تواند از ظرفیت‌های فرهنگی و

مذهبی خود به‌عنوان پشتوانه‌ای

راهبردی بهره‌برد و در کنار آن، از

مسیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز

ارتباطات خود را با کابل تقویت کند.

چنین ارتباطاتی نه‌تنها می‌تواند به

تحکیم موقعیت ایران در تعامل با

طالبان بینجامد بلکه زمینه‌ای برای

بهره‌گیری متقابل از توانمندی‌های

دو کشور فراهم می‌سازد. با این

حال، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد:

ایالات متحده ممکن است در این

مسیر به‌جای ابزارهای دیپلماتیک،

بار دیگر به فشار و زور متوسل شود.

بر اساس همین واقعیت، ایران

می‌تواند از ظرفیت‌های فرهنگی و

مذهبی خود به‌عنوان پشتوانه‌ای

راهبردی بهره‌برد و در کنار آن، از

مسیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز

ارتباطات خود را با کابل تقویت کند.

چنین ارتباطاتی نه‌تنها می‌تواند به

تحکیم موقعیت ایران در تعامل با

طالبان بینجامد بلکه زمینه‌ای برای

بهره‌گیری متقابل از توانمندی‌های

دو کشور فراهم می‌سازد. با این

حال، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد:

ایالات متحده ممکن است در این

مسیر به‌جای ابزارهای دیپلماتیک،

بار دیگر به فشار و زور متوسل شود.

بر اساس همین واقعیت، ایران

می‌تواند از ظرفیت‌های فرهنگی و

مذهبی خود به‌عنوان پشتوانه‌ای

راهبردی بهره‌برد و در کنار آن، از

مسیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز

ارتباطات خود را با کابل تقویت کند.

چنین ارتباطاتی نه‌تنها می‌تواند به

تحکیم موقعیت ایران در تعامل با

طالبان بینجامد بلکه زمینه‌ای برای

بهره‌گیری متقابل از توانمندی‌های

دو کشور فراهم می‌سازد. با این

حال، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد:

ایالات متحده ممکن است در این

مسیر به‌جای ابزارهای دیپلماتیک،

بار دیگر به فشار و زور متوسل شود.

بر اساس همین واقعیت، ایران

می‌تواند از ظرفیت‌های فرهنگی و

مذهبی خود به‌عنوان پشتوانه‌ای

راهبردی بهره‌برد و در کنار آن، از

مسیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز

ارتباطات خود را با کابل تقویت کند.

چنین ارتباطاتی نه‌تنها می‌تواند به

تحکیم موقعیت ایران در تعامل با

طالبان بینجامد بلکه زمینه‌ای برای

بهره‌گیری متقابل از توانمندی‌های

دو کشور فراهم می‌سازد. با این

حال، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد:

ایالات متحده ممکن است در این

مسیر به‌جای ابزارهای دیپلماتیک،

بار دیگر به فشار و زور متوسل شود.

بر اساس همین واقعیت، ایران

می‌تواند از ظرفیت‌های فرهنگی و

مذهبی خود به‌عنوان پشتوانه‌ای

راهبردی بهره‌برد و در کنار آن، از

مسیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز

ارتباطات خود را با کابل تقویت کند.

چنین ارتباطاتی نه‌تنها می‌تواند به

تحکیم موقعیت ایران در تعامل با

طالبان بینجامد بلکه زمینه‌ای برای

بهره‌گیری متقابل از توانمندی‌های

دو کشور فراهم می‌سازد. با این

حال، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد:

ایالات متحده ممکن است در این

مسیر به‌جای ابزارهای دیپلماتیک،

بار دیگر به فشار و زور متوسل شود.

بر اساس همین واقعیت، ایران

می‌تواند از ظرفیت‌های فرهنگی و

مذهبی خود به‌عنوان پشتوانه‌ای

راهبردی بهره‌برد و در کنار آن، از

مسیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز

ارتباطات خود را با کابل تقویت کند.

چنین ارتباطاتی نه‌تنها می‌تواند به

تحکیم موقعیت ایران در تعامل با

طالبان بینجامد بلکه زمینه‌ای برای

بهره‌گیری متقابل از توانمندی‌های

دو کشور فراهم می‌سازد. با این

حال، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد:

ایالات متحده ممکن است در این

مسیر به‌جای ابزارهای دیپلماتیک،

بار دیگر به فشار و زور متوسل شود.

بر اساس همین واقعیت، ایران

می‌تواند از ظرفیت‌های فرهنگی و

مذهبی خود به‌عنوان پشتوانه‌ای

راهبردی بهره‌برد و در کنار آن، از

مسیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز

ارتباطات خود را با کابل تقویت کند.

چنین ارتباطاتی نه‌تنها می‌تواند به

تحکیم موقعیت ایران در تعامل با

طالبان بینجامد بلکه زمینه‌ای برای

بهره‌گیری متقابل از توانمندی‌های

دو کشور فراهم می‌سازد. با این

حال، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد: